

تفسیر آیه مباهله از دیدگاه اهل بیت و اهل سنت

حجت‌الاسلام و المسلمین

ایلقار اسماعیلزاده*

چکیده

آیه «مباهله» (آل عمران: ۶۱) از مهم‌ترین ادله قرآنی، در خصوص فضیلت و برتری اهل بیت (ع) محسوب می‌گردد. مفسران و دانشمندان مذهب اهل بیت (ع) و اهل سنت در طول تاریخ درباره این آیه بحث‌های مختلفی را انجام داده‌اند. در این مقاله با توجه به اهمیت موضوع، آیه «مباهله» را به صورت تطبیقی از دیدگاه فریقین بررسی و به شبهات، ابهامات و سؤالات مربوط پاسخ داده شده است. نکته حائز اهمیت این است که از ظاهر آیه «مباهله» نمی‌توان برای ولایت و رهبری اهل بیت (ع) استفاده نمود؛ چون ظاهر این آیه شریفه صرفاً فضیلت و برتری اهل بیت (ع) را بیان می‌کند، ولی با توجه به معنا و مفهوم آیه و مقایسه مصادیق آن با دیگران، می‌توان از آن برای ولایت و رهبری اهل بیت (ع) نیز استفاده‌هایی کرد.

واژه‌های کلیدی: آیه مباهله، تفسیر تطبیقی، اهل بیت (ع)، اهل سنت، روایات، مفسران.

بخش اول: تفسیر و تبیین اجمالی آیه مباهله
آیه مباهله، آیه ۶۱ از سوره مبارکه آل عمران است که دارای دویت آیه است و از سوره‌های مدنی به حساب می‌آید. در این سوره مبارکه از معارف بلند اسلامی، دستورهای جاوید دینی و برخی

*فارغ التحصیل کارشناسی ارشد در رشته علوم قرآن و حدیث، از مدرسه عالی امام خمینی (ره).

سرگذشتها سخن به میان آمده است . خداوند متعال در آیه مباهله چنین می‌فرماید:

ان مثل عیسی عند الله کمثل آدم خلقه
من تراب ثم قال له کن فیکون . الحق
من ربک فلا تکن من الممترین . فمن حاجک
فیه من بعد ما جائک من العلم فقل
تعالوا ندع ابنائنا و اب نائکم و
نساءنا و نسائکم و انفسنا و انفسکم
ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علي
الکاذبین؛^۱

«همانا مثل عیسی در نزد خدا، همچون مثل آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود : «موجود باش!» او هم فوراً موجود شد [بنابراین ولادت مسیح بدون پدر، هرگز دلیل بر الوهیت او نیست]. اینها حقیقتی است از جانب پروردگار تو، بنابراین از تردیدکنندگان مباش . هرگاه بعد از علم و دانشی که [درباره عیسی مسیح] به تو رسیده، باز کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو : بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نمایم، شما هم زنان خود را؛ ما نفوس خود را دعوت کنیم، شما هم نفوس خود را؛ آن گاه مباهله کنیم و لعنت خداوند را بر دروغ‌گویان قرار دهیم.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این آیه، سخن از «مباهله» می‌رود که تبیین و توضیح این کلمه بسیار مناسب و ضروری است.

نگاهی به معنای مباهله

«مباهله» واژه‌ای عربی است و معنای آن رها کردن و قید و بندی را از چیزی برداشتن است . یکی از معنای آن به حال خود گذاشتن حیوان مادّه و نبستن پستان اوست تا بدین وسیله نوزادش بتواند به راحتی شیر بنوشد . در زبان عربی به این حیوان مادّه «باهل» گفته می‌شود .^۲ همچنین این کلمه به معنای لعنت کردن نیز آمده است .^۳ اما این واژه در اصطلاح به معنای نفرین کردن دو نفر یا دو گروه به یکدیگر است؛ به گونه‌ای که افرادی که با

طرح

را

را

را

را

را

را

را

را

را

را

را

را

را

را

را

را

را

را

هم درباره يك مسئله مهم ديني، مذهبي و ... با يكديگر گفت وگو و اختلاف دارند، در يك جا جمع شوند و به درگاه الهي تضرع كنند و از خداوند بخواهند كه فرد دروغگو يا ظالم را رسوا سازد و يا بر او عذابي نازل فرمايد.

شان نزول آيه مباهله

روايات مربوط به شان نزول آيه مباهله متعدد و كمی متفاوت است كه در اینجا به نقل يكي از آنها اکتفا مي‌كنيم:

هيأتي از مسيحيان منطقه نجران در شهر مدينه، خدمت پيامبر اسلام (ص) رسيدند و چنين گفتند: آيا فرزندی را كه بدون پدر به دنيا آمده باشد، ديده ايد؟ خداوند متعال در جواب سؤال آنها، آيه ۵۹ (ان مثل عيسي عندالله...) از سوره آل عمران را نازل فرمود و به آنها اعلام كرد كه عيسي(ع) همانند حضرت آدم(ع) است كه بدون پدر و مادر به وجود آمد. وقتي كه هيات مسيحي بر جهل و ادعای خود اصرار ورزيدند، پيامبر اسلام(ص) [بر اساس دستور الهي] آنها را به مباهله فراخواند. آنها تا فردي آن روز از پيامبر (ص) مهلت درخواستند. اسقف اعظم [روحاني بزرگ هيات مسيحي] به آنها چنين گفت: شما فردي به محمد (ص) نگاه كنيد. اگر براي مباهله با فرزندان و اهل خود آمد، از مباهله با او بترسيد و اگر با اصحاب خود آمد، با او مباهله كنيد، زيرا [در اين صورت] چيزي در بساط ندارند.

فرداي آن روز پيامبر اكرم (ص) همراه علي بن ابي طالب، حسن و حسين و فاطمه آمد. آن حضرت (ص) دست علي بن ابي طالب را گرفته بود، حسن و حسين در پيش روي او راه مي رفتند و حضرت فاطمه پشت سر آن حضرت(ص) بود. هيات مسيحي نيز در حالي آمدند، كه اسقف اعظم آنها پيشاپيشان بود. هنگامي كه او پيامبر اسلام (ص) را با آن چند نفر ديد، درباره آنها سؤال

کرد به او گفتند که این پسر عمو و داماد او و محبوبترین مردم نزد اوست و این دو پسر، فرزندان دختری او، از علی (ع) هستند و آن بانوی جوان، دخترش فاطمه (ع) است که عزیزترین مردم نزد او و نزدیک ترین افراد به قلب اوست....

در این هنگام هیأت مسیحی مباحله امتناع ورزید و اسقف اعظم مسیحیان به پیامبر اسلام (ص) گفت: یا ابالقاسم! ما با تو مباحله نمی کنیم، بلکه مصالحه می کنیم. پیامبر اسلام (ص) نیز با آنها بر پرداخت جزیه مصالحه نمود.^۴

در روایتی آمده است که اسقف آنها گفت: «من صورتهایی را می بینم که اگر از خدا تقاضا کنند که کوهها را از جا برکنند، چنین خواهد کرد. هرگز با آنها مباحله نکنید که هلاک خواهید شد و یک مسیحی تا روز قیامت بر روی زمین باقی نخواهد ماند.»^۵ همچنین در روایت دیگری آمده است که پیامبر اسلام (ص) پس از امتناع هیأت مسیحی از مباحله و رضایت دادن آن ها به پرداخت جزیه چنین فرمود: «قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث نمود، اگر آنها با ما مباحله می کردند، وادی آتش بر روی آنها می بارید.»^۶

بخش دوم : آیه مباحله از دیدگاه روایات فریقین

اگر به منابع حدیثی و تفسیری مذهب اهل بیت (ع) و اهل سنت نگاه کنیم، خواهیم دید که درباره آیه شریفه مباحله، روایات بسیاری از پیامبر اسلام (ص)، اهل بیت (ع) و اصحاب و تابعین نقل شده است.

در اینجا قبل از ذکر نمونه هایی از این روایات، نگاهی گذرا به منابع فریقین می کنیم و قسمتی از منابع متعدد این روایات را ارائه می دهیم:

۱. صحیح مسلم، مسلم نیشابوری (متوفای ۲۶۱ق)، ص ۱۰۴۲، ح ۳۲ (کتاب الفضائل باب فضائل علی بن ابی طالب).

طبر

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰

٢. الجامع الصحيح (سنن ترمذي) ، ابو عيسى محمد بن عيسى ترمذي (٢٠٩ - ٢٩٧ق) ، ج ٥ ، ص ٢٢٥ ، ح ٢٩٩٩.
٣. اسباب النزول ، واحدي نيشابوري (متوفاي ٤٦٨ق) ، ص ٩٠-٩١.
٤. المستدرک علي الصحيحين ، حاکم نيشابوري (متوفاي ٤٠٥ق) ، ج ٣ ، ص ١٥٠.
٥. جامع البيان عن تأويل آي القرآن ، محمد بن جرير طبري (متوفاي ٣١٠ق) ج ٣ ، ص ٣٠٠-٣٠١ ، جزء ٣.
٦. تفسير القرآن العظيم ، ابن ابي حاتم (متوفاي ٣٢٧ق) ، ج ٢ ، ص ٦٦٧-٦٦٨ ، احاديث ٣٦١٦-٣٦١٩.
٧. تفسير القرآن العظيم ، ابن كثير دمشقي (متوفاي ٧٧٤ق) ، ج ١ ، ص ٣٧٩.
٨. الدر المنثور في التفسير المأثور ، جلال الدين سيوطي (متوفاي ٩١١ق) ، ج ٢ ، ص ٢٣١-٢٣٣.
٩. تفسير الكشاف ، جار الله زمخشري (متوفاي ٥٣٨ق) ، ج ١ ، ص ٣٦٨-٣٧٠.
١٠. الجامع الاحكام القرآن ، قرطبي (متوفاي ٦٧١ق) ، ج ٣ ، ص ١٠٤ (چاپ مصر ، ١٩٣٦م) .
١١. تفسير السمرقندي ، نصر بن محمد سمرقندي (متوفاي ٣٧٥ق) ، ج ١ ، ص ٢٧٤-٢٧٥.
١٢. تفسير الفخر الرازي ، فخر رازي (٥٤٤-٦٠٤ق) ، ج ٨ ، ص ٨٨-٨٩.
١٣. تفسير البيضاوي ، عبدالله بن عمر بيضاوي (متوفاي ٧٩١ق) ، ج ١ ، ص ١٦٣.
١٤. المسند ، احمد بن حنبل ، ج ١ ، ص ١٨٥ ، چاپ مصر.
١٥. دلائل النبوة ، حافظ ابونعيم اصفهاني ، ص ٢٩٧.
١٦. جامع الاصول ، ابن اثير ، ج ٩ ، ص ٤٧٠ ، السنة المحمدية ، مصر.
١٧. تذكرة الخواص ، ابن جوزي ، ص ١٧٠.
١٨. تفسير روح المعاني ، آلوسي ، ج ٣ ، ص ١٦٧ ، منيره ، مصر.
١٩. تفسير الجواهر ، شيخ طنطاوي ، ج ٢ ، ص ١٢٠ ، چاپ مصر.
٢٠. الاصابة ، احمد بن حجر عسقلاني ، ج ٢ ، ص ٥٠٣ ، چاپ مصر.
٢١. تفسير العياشي ، ابونصر محمد بن مسعود بن عياش سمرقندي ، ج ١ ، ص ١٧٥-١٧٧ ، احاديث ٥٤ ، ٥٧ ، ٥٨ و ٥٩.
٢٢. تفسير فرات الكوفي ، ص ٨٥-٩٠ ، ج ٦١.
٢٣. الامالي ، شيخ طوسي (٣٨٥ - ٤٦٠ق) ، ص ٣٠٧ ، ح ٦١٦.

۲۴. التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق)، ج ۲، ص ۴۸۴.
۲۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، شیخ طبرسی (متوفای ۵۴۸ق)، ج ۲، ص ۷۶۲-۷۶۳.
۲۶. البرهان فی تفسیر القرآن، سیدبحرانی (متوفای ۱۰۹۱ق)، ج ۲، ص ۴۹-۵۰، ج ۱۳، ۱۲، ۹، و ۱۴.
۲۷. تفسیر نورالثقلین، حویزی (متوفای ۱۱۱۲ق) ج ۱، ص ۳۴۹، ج ۱۶۳.
۲۸. تفسیر ابوالفتوح رازی (متوفای ۵۵۴ق)، ج ۴، ص ۳۶۰-۳۶۱.

شایان ذکر است که قاضی نور الله شوشتری در کتاب **احقاق الحق** حدوداً شصت نفر از بزرگان (مفسران، محدثان و...) اهل سنت را نام می‌برد که به اختصاص آیه مباهله به اهل بیت (ع) تصریح نموده‌اند.

اکنون پس از آشنایی اجمالی با قسمتی از منابع روایات مربوط به آیه مباهله، با مراجعه به تعدادی از منابع تفسیری و حدیثی مذهب اهل بیت (ع) و اهل سنت، نمونه‌هایی از احادیث و روایات را ذکر می‌کنیم و در پایان به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از روایات خواهیم پرداخت.

الف. منابع مذهب اهل بیت (ع)

۱. «قال علی (ع)... لما نزلت هذه الآية «قل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم...» اخذ بید علی و فاطمه و ابניהما (ع)، فقال رجل من النصاری (الیهود): لاتفعلوا فتحببکم عنت...»؛ امام علی (ع) فرمود: «... هنگامی که آیه مباهله نازل شد، پیامبر (ص) دست علی، فاطمه و دو پسر او (ع) را گرفت و برای مباهله آمد. که در این هنگام مردی از مسیحیان (و یا مردی از یهود) گفت: (با اینها مباهله نکنید که به مشقت گرفتار می‌شوید.»

۲. امام صادق (ع) نقل می‌کند که از امیرالمؤمنین، امام علی (ع) درباره فضایلش سؤال شد. آن حضرت (ع)، قسمتی از فضایل خود را برای آنها بازگو نمود. گفتند: (یا علی!) باز هم بگو. آن حضرت فرمود: «نزد پیامبر (ص) دو نفر از احبار

طبرسی

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

نصارا از اهل نجران آمدند و درباره عیسی (ع) به مباحثه پرداختند. خداوند متعال هم آیات مباهله را نازل فرمود. پس از این پیامبر (ص) دست علی (من)، حسن و حسین و فاطمه را گرفت و کف دست خود را به سوی آسمان گشود و آنها را به مباهله فراخواند.^۸

۳. «عن ابي جعفر (ع) في قوله «ابنائنا وابنائكم» (يعني) الحسن و الحسين، «انفسنا و انفسكم» رسول الله (ص) و علي (ع). «و نساننا و نسانكم» فاطمه الزهراء (س)؛^۹ امام باقر (ع) درباره آیه مباهله فرمود: منظور از «پسران ما...» حسن و حسین و منظور از «خودمان...»، پیامبر خدا (ص) و علی (ع) و منظور از «زنانمان...»، فاطمه زهرا (س) است.»

۴. حضرت امام رضا (ع) در يك مجلس علمي كه مأمون عباسي آن را در كاخ خود برگزار نموده بود، چنین فرمود: «خداوند، بندگان پاك خود را در آیه مباهله مشخص ساخته و به پیامبرش دستور [انجام مباهله با مسیحیان نجران] داده است... به دنبال نزول آیه، پیامبر (ص)، علی و فاطمه، حسن و حسین (ع) را با خود به مباهله برد... این مزیتی است که هیچ کس در آن بر اهل بیت (ع) پیشی نگرفته و فضیلتی است که هیچ انسانی به آن نرسیده و شرفی است که قبل از آن هیچ کس از آن برخوردار نبوده است.»^{۱۰}

۵. عامر بن سعد بن ابی وقاص از پدرش (سعد بن ابی وقاص) نقل می کند که روزی معاویه به وی گفت: چه چیز مانع می شود که ابوتراب (علی بن ابی طالب) را سب کنی؟ سعد بن وقاص گفت: به خاطر سه خصلتی که در او دیده ام و یکی از آنها چنین است: «لما نزلت آیه المباهلة (تعالوا ندع ابنائنا و ابنائكم...) اخذ رسول الله (ص) بيد علي و فاطمه و حسن و حسين (ع) قال: هؤلاء اهلي؛^{۱۱} هنگامی که آیه مباهله نازل شد... پیامبر خدا (ص) دست علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) را گرفت و چنین گفت: اینان اهل بیت من هستند.»

۶- عن سعد بن ابن وقاص قال... لما نزلت هذه الآية «ندع ابنائنا و ابنائكم» دعا رسول الله (ص) عليا و فاطمة و حسنا و حسيننا (ع) و قال : اللهم هؤلاء اهلي؛^{۱۲} سعد بن ابى وقاص مي گويد : هنگامي كه اين آيه [مباهله...] نازل شد، پيامبر خدا (ص) علي، فاطمه، حسن و حسين (ع) را فراخواند و گفت : خداوندا! اينان اهل من هستند.»

ب. منابع مذهب اهل سنت

۱. «قال جابر : و فيهم نزلت «ندع ابنائنا و ابنائكم و نسائنا و نسائكم و انفسنا و انفسكم» قال جابر : «انفسنا و انفسكم» رسول الله (ص) و علي بن ابى طالب و «ابنائنا» الحسن و الحسين و «نسائنا» فاطمة؛^{۱۳} جابر مي گويد : [اين آيه ه مباهله] درباره آنها [اهل بيت] نازل شده است^۴ منظور از «خودمان» رسول خدا و علي بن ابى طالب است، منظور از «پسران ما» حسن و حسين و منظور از «زنان ما» فاطمه است.»

۲. «عن زيد بن علي في قوله : «تعالوا ندع ابنائنا و ابنائكم...» الآية، قال : كان النبي (ص) و علي و فاطمة و الحسن و الحسين؛^{۱۴} از زيد بن علي نقل شده است كه درباره آيه مباهله گفت : آنان پيامبر (ص)، علي، فاطمه، حسن و حسين بودند.»

۳. «عن السدي «فمن حاجك فيه من بعد ما جائك من العلم... الآية» فأخذ يعني النبي (ص) بيد الحسن و الحسين و فاطمة و قال لعلي اتبعنا، فخرج معهم. فلم يخرج يومئذ النصاري و قالوا : انا نخاف ان يكون هذا النبي (ص) و ليس دعوة النبي كغيرها، فتخلفوا عنه يومئذ. فقال النبي (ص) : لو خرجوا لاحترقوا فصالحوه علي صلح...؛^{۱۵} سدي نقل مي كند : هنگامي كه آيه مباهله نازل شد، پيامبر خدا (ص) دست حسن و حسين و فاطمه را گرفت و به علي فرمود كه به دنبال آنها بيايد و بدین وسيله جهت مباهله آماده شدند، ولي مسيحيان حاضر به مباهله نشدند و گفتند : ما مي ترسيم كه اين همان پيامبر خدا باشد و دعاي پيامبر مانند دعاي ديگران نيست . بدین جهت در آن روز از مباهله امتناع ورزیدند. پيامبر خدا (ص) فرمود : اگر آنها مباهله

طبر

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵

می‌کردند، می‌سوختند. بنابراین پیامبر خدا (ص) با آنها مصالحه نمود...»
 ۴. عامر بن سعد بن ابی وقاص از پدرش نقل می‌کند که روزی معاویه بن ابی سفیان به وی گفت: چرا ابوتراب (علی بن ابی طالب) را سب می‌کنی؟ سعد بن ابی وقاص گفت: به خاطر سه خصلتی که پیامبر خدا درباره وی فرموده است... [و یکی از آنها چنین است]:

«و لما نزلت هذه الآية «فقل ندع ابنائنا و ابنائکم» دعا رسول الله (ص) علیا و فاطمه و حسنا و حسینا، فقال: اللهم هؤلاء اهلي؛^{۱۶} هنگامی که آیه مباحله نازل شد، پیامبر خدا (ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین را فراخواند و سپس گفت: خداوندا! اینان اهل من هستند.»

حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ ق) پس از نقل این روایت چنین می‌نویسد: «هذا حدیث صحیح علی شرط الشيخین و لم یخرجاه؛^{۱۷} این حدیث بر اساس شرط [صحت و پذیرش حدیث] بخاری و مسلم، صحیح است، ولی آن دو این روایت را نقل نکرده اند.»

۵. جابر بن عبدالله نقل می‌کند که هیأتی از اهل نجران پیش پیامبر اسلام (ص) آمدند و با آن حضرت (ص) به گفت و گو پرداختند. پیامبر اسلام (ص) آنها را به مباحله (ملاعنه) دعوت نمود و قرار گذاشتند که فردای آن روز مباحله کنند. فردای آن روز، پیامبر خدا (ص) دست علی، فاطمه، حسن و حسین را گرفت و آنها را به مباحله فراخواند، ولی آنها از انجام مباحله امتناع ورزیدند و به پرداخت جزیه رضایت دادند. پیامبر اسلام (ص) پس از آن فرمود: «قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث نمود، اگر آنها مباحله می‌کردند، بر روی آنها یک وادی آتش می‌بارید.»^{۱۸}

۶. «قال الشعبي: «ابنائنا» الحسن و الحسين «و نساءنا» فاطمة، «و انفسنا» علی بن ابی طالب؛^{۱۹} شعبی می‌گوید: منظور از «پسران ما» حسن و حسین و منظور از «زنان ما» فاطمه و منظور از «خودمان» علی بن ابی طالب است.»

بررسی و جمع بندی روایات

آنچه می‌توان به طور کلی از روایات و احادیث فوق به دست آورد، شامل مطالب ذیل است:

۱. آیه مباهله در درجه نخست، به طور روشن بر فضیلت و برتری پنج تن آل عبا (ع) - پیامبر اسلام، امام علی، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین - دلالت دارد.
۲. آیه مباهله مختص به پنج تن مقدس است و این از ظاهر آیه شریفه و روایات فریقین به دست می‌آید.
۳. امام علی (ع)، فاطمه زهرا (س)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، در نزد پیامبر اسلام (ص) شأن و منزلت بسیار ویژه‌ای داشتند.
۴. طبق این روایات، پیامبر گرامی اسلام (ص) هنگام آوردن عزیزترین افراد خود، آنها را اهل بیت (ع) خود نامیده است که این هم در درجه نخست به معنای اصطلاح قرآنی و حدیثی «اهل بیت» مربوط می‌شود.
۵. احتجاج خود امامان (ع) و نیز برخی از اصحاب پیامبر اکرم (ص) به آیه مباهله برای اثبات برتری اهل بیت (ع)، قرینه محکمی بر وقوع این حادثه است و نیز بر اختصاص آن به اهل بیت (ع) تأکید می‌ورزد.

بخش سوم : آیه مباهله از دیدگاه مفسران فریقین

پس از تبیین و تفسیر اجمالی آیه مباهله و بررسی آن از دیدگاه احادیث و روایات فریقین، در این بخش با رعایت اختصار، این آیه را از دیدگاه تعدادی از مفسران مذهب اهل بیت (ع) و اهل سنت بررسی می‌کنیم و سپس بر جمع بندی دی‌گانه‌ها می‌پردازیم.

آیه مباهله از دیدگاه مفسران مذهب اهل بیت (ع)

۱. شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) در تفسیر خود و در ذیل همین آیه شریفه می‌نویسد: «هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر اسلام (ص)، دست علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) را گرفت و سپس مسیحیان (نجران) را به مباهله فراخواند، ولی آنها از مباهله امتناع ورزیدند و با ذلت به جزیه دادن رضایت دادند» 4

حتي برخي از آنها گفتند : اگر با اينها مباحله كنيم، تا روز قيامت هيچ مرد و زن مسيحي باقي نمي ماند.»^{۲۰}

۲. شيخ طبرسي (متوفاي ۵۴۸ق) در ذيل همين آيه مي نويسد : «اين آيه، درباره هيات مسيحي نجران نازل شده است كه از پيامبر (ص) درباره حضرت عيسي - تولد يافتن او بدون پدر - سؤال نمودند و چون جواب پيامبر اسلام (ص) را نپذيرفتند، پيامبر آنها را به مباحله فراخواند و فردي آن روز همراه علي بن ابي طالب، حسن، حسين و فاطمه آمد ... ولي آنها از مباحله سرباز زدند و به جزيه دادن راضي شدند.»^{۲۱}

۳. شيخ ابوالفتوح رازي (متوفاي ۵۵۴ق) در تفسير خود، ضمن بيان مفصل شأن نزول آيه مباحله، مي نويسد : «... پيامبر اسلام پس از نزول اين آيه، هنگام مباحله همراه علي، حسن و حسين و فاطمه آمد و آماده مباحله شدند، اما مسيحيان نجران ترسيدند و از مباحله عذر آوردند.»^{۲۲}

۴. سيد فضل الله (مفسر معاصر) در تفسير خود، ضمن بيان شأن نزول آيه مباحله - مباحثه بين مسيحيان نجران و پيامبر اسلام و دعوت آنها به مباحله - مي نويسد : «پيامبر اسلام (ص) فردي آن روز همراه امام علي، فاطمه، حسن و حسين (ع) آمد و آماده مباحله شد، ولي آنها با ديدن پيامبر (ص) و اهل بيت آن حضرت از مباحله عذر خواستند و با قبول كردن پرداخت جزيه برگشتند.»^{۲۳}

۵. شيخ ناصر مكارم شيرازي (مفسر معاصر) نيز در تفسير خود ضمن بيان شأن نزول آيه مباحله مي نويسد : «... پيامبر اسلام براي مباحله با مسيحيان نجران، علي، فاطمه، حسن و حسين (ع) را همراه خود آورده بود.»^{۲۴}

آيه مباحله از ديده گاه مفسران مذهب اهل سنت

۱. محمد بن جرير طبري (متوفاي ۳۱۰ق) در تفسير معروف خود ضمن بيان شأن نزول آيه مباحله مي نويسد : «پيامبر اسلام (ص) جهت مباحله با مسيحيان نجران، همراه علي، فاطمه، حسن و

حسین (ع) آمد و آماده مباحله شد، ولی آنها با پیامبر مصالحه نمودند و راضی به پرداخت جزیه شدند.»^{۲۵}

۲. نصر بن محمد سمرقندی (متوفای ۳۷۵ق) در تفسیر خود می‌نویسد: «پیامبر اسلام (ص) آنها [مسیحیان نجران] را به مباحله دعوت نمود و جهت مباحله همراه علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) آمد، ولی آنها از انجام مباحله سرباز زدند. در این هنگام پیامبر (ص) به آنها فرمود: یا اسلام بیاورید و یا جزیه بدهید. آنها به پرداخت جزیه رضایت دادند و برگشتند. پیامبر اسلام (ص) فرمود: اگر آنها مباحله می‌کردند، همگی هلاک می‌شدند، حتی گنجشکهای نشسته بر دیوارهایشان.»^{۲۶}

۳. فخر رازی (۵۴۴-۶۰۴ق) در تفسیر خود پس از بیان توضیحات لازم می‌نویسد: «پیامبر اسلام (ص) - پس از اصرار مسیحیان نجران بر جهل خود - آنها را به مباحله فراخواند و برای مباحله همراه علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) آمد و به آنها فرمود: هرگاه من دعا کردم، شما آمین بگو ید. اسقف نجران گفت: ای مسیحیان! من صورتهایی را می‌بینم که اگر خداوند را برای کندن کوه از جای خود بخواهند، [کوهها] از جای خود کنده می‌شوند. با آنها مباحله نکنید؛ زیرا هلاک می‌شوید و در روی زمین تا روز قیامت هیچ نصرانی باقی نمی‌ماند. آنها سپس به پرداخت جزیه راضی شدند و پیامبر اسلام (ص) فرمود: اگر آنها مباحله می‌کردند، تبدیل به میمون و خوک می‌شدند... و خداوند نجران و اهل آن را - حتی پرندگان نشسته بر شاخه‌های درختانشان را - هلاک می‌نمود.»

فخر رازی در ادامه می‌افزاید: «و روی انه علیه السلام لما خرج في المرط الاس و فداء الحسن (ع) فأدخله ثم جاء الحسين (ع) فأدخله، ثم فاطمه، ثم علي (ع)، ثم قال: انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهيراً. روایت شده است که پیامبر اسلام (ص) با يك عباي پشمي سیاه رنگ از منزل خارج شد، حسن (ع) آمد و آن را داخل عباي خود نمود و سپس حسین (ع) آمد، او را

طبر

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰

نیز در زیر عباي خود قرار داد، سپس علي و فاطمه (ع) آمدند و سپس آن حضرت (ص) فرمود: «خدا فقط مي‌خواهد پليدي را از شما اهل بيت دور کند و شما را كاملاً پاك سازد.»

فخر رازي پس از نقل اين روايت چنين مي‌نويسد: «واعلم ان هذه الرواية كالمتفق علي صحت ها بين اهل التفسير و الحديث؛^{۲۷}» بدان که در مورد صحت اين روايت بين مفسران و محدثان اتفاق نظر وجود دارد.»

۴. ابوالفدا اسماعيل بن‌كثير دمشقي (متوفاي ۷۷۴ق) در تفسير خود مي‌نويسد: عده اي از مسيحيان نجران حضور پيامبر اسلام (ص) آمدند و با آن حضرت (ص) درباره عيسي (ع) احتجاج کردند... هنگامي که پيامبر اسلام (ص) آنها را به مباهله فراخواند، همراه علي، فاطمه، حسن و حسين (ع) آمد، ولي آنها از مباهله امتناع ورزیدند و به پرداخت جزیه رضایت دادند.»^{۲۸}

۵. عبدالله بن‌عمر بيضاوي (متوفاي ۷۹۱ق) نیز در تفسير خود ذیل آیه مباهله چنين مي‌نويسد: «پيامبر اسلام (ص) براي مباهله با مسيحيان نجران، علي، فاطمه، حسن و حسين (ع) را همراه خود آورد و به آنها فرمود: هنگامي که من دعا کردم، شما آمين بگوييد. اسقف آنها گفت: اي مسيحيان، من صورتهاي را مي‌بينم که اگر خداوند را براي کندن کوه از جاي خود بخواهند، [کوهها] از جاي خود کنده مي‌شوند. با آنها مباهله نکنيد که هلاک مي‌شويد. سپس آنان به پرداخت جزیه راضي شدند. پيامبر اسلام (ص) فرمود: قسم به خدایي که جانم در دست اوست، اگر مباهله مي‌کردند، تبديل به ميمون و خوک مي‌شدند... نجران و اهل آن - حتي پرنندگان نشسته بر شاخه هاي درختانشان نیز - از بين مي‌رفتند.»

بيضاوي در ادامه چنين مي‌گويد: «و هو دليل علي نبوته و فضل من أتي بهم من اهل بيته؛^{۲۹} اين [حادثه و روايت] دليلي بر نبوت [پيامبر اسلام] و دليلي بر برتري و فضيلت اهل بيت آن حضرت است که همراه او [به مباهله] آمده بودند.»

بررسی و جمع‌بندی دیدگاهها

- جمع‌بندی ما از دیدگاههای مفسران اهل بیت (ع) و اهل سنت چنین است:
۱. مفسران مذهب اهل بیت (ع) و اهل سنت، همگی مصادیق آیه مباهله را پیامبر اسلام (ص) علی‌بن‌ابی‌طالب (ع)، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین (ع) می‌دانند و هیچ‌یک از آنها شخص‌دی‌گری را در این امر با آنها شریک نمی‌پندارند.
 ۲. مفسران فریقین در بیان دیدگاه خود، درباره آیه مباهله، به روایات و احادیث مربوط تکیه کرده و تقریباً بر اساس روایات و احادیث، دیدگاه خود را بیان نموده‌اند.
 ۳. برخی از آنها (عبدالله بن عمر بیضاوی) آیه مباهله را دلیلی بر فضیلت و برتری اهل بیت (ع) معرفی نموده و به این مسئله تصریح کرده‌اند.

بخش چهارم : نقد و بررسی شبهات، ابهامات و سؤالات مربوط به آیه مباهله

آنچه در سه بخش گذشته درباره آن بحث شد، شامل مطالبی بود که بر اختصاص آیه مباهله به پنج تن آل عبا (ع) تأکید می‌کرد. با وجود این، درباره آیه مباهله نیز چند سؤال و شبهه مطرح شده است که در این بخش به نقد و بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۱. آیه مباهله و تعبیر جمع

یکی از مهم‌ترین سؤالات مطرح شده درباره آیه مباهله، تعبیر جمع در این آیه شریفه و عدم مطابقت آن با احادیث و روایات موجود در منابع فریقین است که در آنها مصادیق این آیه افراد معین - نه جمع - معرفی می‌شوند. طبق احادیث و روایات موجود در منابع فریقین، منظور از «ابناءنا» - پسران ما - حسن و حسین، منظور از «نساءنا» - زنان خویش - فاطمه زهرا (س) و منظور از «انفسنا» - نفوس خود - پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) است. ۳۰٪ از طرف دیگر طبق بیان

طهری

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰

محمدرشیدرضا (۱۸۶۵-۱۹۳۵م)، در زبان عربی کلمه «نسائنا» - زنان ما - بر دختر شخص و نیز «انفسنا» - نفوس ما - بر یک نفر (امام علی) اطلاق نمی‌شود.^{۳۱}

نقد و بررسی

در پاسخ به این سؤال مطرح شده باید بگوییم:

۱. پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) مبین و مفسر آیات نورانی قرآن کریم است. خداوند متعال در همین خصوص می‌فرماید: «وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم و لعلمهم یتفکرون»؛^{۳۲} ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم تا آنچه را به سوی مردم نازل شده است، برای آنها روشن سازی و شاید اندیشه کنند.» بنابراین بر امت اسلامی فرض است که پیامبر اسلام (ص) را مفسر و مبین حقیقی قرآن کریم بدانند و بیانات آن حضرت (ص) را در این باره بدون چون و چرا بپذیرند.

۲. بر اساس روایات و احادیث صحیح و مورد قبول مذهب اهل بیت (ع) و اهل سنت، پس از نزول آیه مباهله، پیامبر اسلام (ص) جهت انجام مباهله با هیأت مسیحی نجران، علی بن ابی‌طالب (ع)، فاطمه زهرا (س)، حسن و حسین (ع) را همراه خود آورده و آنها را اهل بیت خود معرفی نموده است.^{۳۳} به همراه آوردن این اشخاص در واقع نوعی تفسیر و تبیین کلمات به کار رفته در این آیه^{۳۴} مباهله (ابنائنا، نسائنا، و انفسنا) است و اگر کسی در این خصوص اعتراض داشته باشد، در واقع به شخص پیامبر اکرم (ص) اعتراض می‌کند.

۳. قرآن کریم مملو از چنین مواردی است که در آنها به جای یک فرد ضمیر یا صیغه جمع به کار رفته است که در اینجا به دو مورد آن اشاره می‌کنیم:

الف. سوره آل عمران، آیه ۱۷۳
 «الذین قال لهم الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ایماناً و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل»
 اینها (مومنان واقعی) کسانی بودند که (بعضی از)

مردم به آنان گفتند : مردم [لشکر دشمن] براي [حمله به] شما اجتماع کرده اند. از آنها بترسيد، اما اين سخن برايمان آنها افزود و گفتند : «خدا ما را كافي است و او بهترين حامي ماست.» براساس دیدگاه عده اي از مفسران، قائل اين سخن نعيم بن مسعود الاشجعي بود كه وي به دستور ابوسفیان، قصد ترساندن مسلمانان از مشركان را داشت.^{۳۴}

ب. سوره آل عمران، آیه ۱۸۱

«لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ...»؛ همانا خداوند سخن آنها را كه گفتند : خدا فقير است و ما بي نيازيم، شنيد.» بر اساس اعتراف عده اي از مفسران فريقين، قائل اين سخن بي اساس، حَيِّ بن احطب و يا غنحاص [از يهوديان] بوده است.^{۳۵}

اگر به آیات نوراني قرآن كريم و شأن نزول آنها توجه بيشتري كنيم، روشن خواهد شد كه در موارد متعددي، به جاي يك فرد از ضمير و يا صيغة جمع استفاده شده است كه همه اينها نشانه بي اساس بودن سؤال مورد بحث است.

۲. آیه مباهله و سن كم امام حسن (ع) و امام

حسين (ع)

يكي ديگر از سؤالات و شب هات مطرح شده درباره آیه مباهله و روايات مربوط به آن، اين است كه ميگويند: حسن و حسين (ع) هنگام نزول آیه مباهله، غيربالغ و غيرمستحق براي ثواب بوده اند و اگر آن دو غيرمستحق براي ثواب باشند، افضل الصحابه (برترين اصحاب) به حساب نمي آيند.^{۳۶}

نقد و بررسي

در پاسخ اين شبهه بايد بگوئيم :

۱. با اينكه امام حسن و امام حسين (ع) هنگام نزول آیه مباهله سن كم تري داشتند، نبايد فراموش كرد كه انتخاب آن دو براي مباهله بر اساس روايات متعدد و صحيح فريقين توسط پيامبر اكرم (ص) انجام گرفته است و اگر اشخاص ديگري برتر و افضل از آنها وجود داشتند، حتماً پيامبر اسلام (ص) به جاي آن دو، همان افراد را همراه خود

طرح

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰

به مباحثه می آوردند. بنابراین، صرف آوردن این دو برای مباحثه، به طور روشن بر برتری و افضل بودن آنها دلالت دارد و کم بودن سن آنها در این باره مشکلی ایجاد نمی کند. البته برتری آنها پس از پیامبر اسلام (ص) و علی بن ابی طالب (ع) است.

۲. نباید فراموش کرد که برتری و افضلیت، همواره با رسیدن فرد به مرتبه بلوغ و ازدیاد سن نیست و گاه اشخاص مقدسی در سن بسیار کم به مقامات بزرگ الهی رسیده اند که با مراجعه به آیات نورانی قرآن کریم، دو مورد از آنها را ذکر می کنیم:

الف. حضرت یحیی (ع)

«یا یحیی خذ الكتاب بقوة و اٰتیناه الحكم صبياً»^{۳۷}

[ما پس از تولد یحیی به او گفتیم]: ای یحیی! کتاب [الهی] را با قوت بگیر [و به آن عمل کن] و ما [حکمت و پیامبری را] در سن کودکی به وی دادیم.»

بر اساس بیان نصر بن محمد سمرقندی (متوفای ۳۷۵ق) و مفسر معروف، فخر رازی (۵۴۴-۶۰۴ق)، منظور از «حکم» در این آیه شریفه، پیامبری، اندیشه و خیر و برکت است.^{۳۸} همچنین مرحوم شیخ طبرسی (متوفای ۵۴۸ق) در ذیل همین آیه، از عبدالله بن عباس روایتی نقل می کند که بر اساس آن، حضرت یحیی (ع) در سه سالگی به مقام پیامبری رسیده است.^{۳۹}

ب. حضرت عیسی مسیح (ع)

«قال اني عبدالله اٰتاني الكتاب و جعلني نبياً»^{۴۰}

[عیسی مسیح در گهواره به سخن آمد و چنین] گفت: همانا من بنده خدا هستم و خداوند به من کتاب [انجیل] داده و مرا پیامبر قرار داده است.»

شیخ کلینی (متوفای ۳۲۹ق) در کتاب **الكافي** از ۱۰۳ امام ب اقر (ع) نقل می کند که آن حضرت (ع) فرمود: «کان یومئذ نبياً حجة الله غیر مرسل...؛ حضرت عیسی (ع) در آن هنگام یک پیامبر الهی غیر مرسل (و) حجت الهی بود.» آن حضرت (ع) در ادامه می فرماید: «فلما بلغ عیسی (ع) سبع سنین تکلم

بالنبوة و الرسالة حين اوحى الله تعالى اليه ...؛^{٤١} وقتي حضرت عيسي (ع) به هفت سالگي رسيد، بر اساس وحى الهي نازل شده بر او، از نبوت و رسالت خود خبر داد...»

همانگونه که از آیات و روايات مذکور به دست مي آيد، رسيدن به يك مقام و فضيلت الهي و به ويژه مقام نبوت و رسالت، حتماً مبتني بر رسيدن آن شخص به حد تکليف و بلوغ نيست. بنابراين برتري و افضليت امام حسن (ع) در سن کودگي، امري عادي به حساب مي آيد؛ چون اين مسئله کمتر از مقام نبوت و رسالت است که حتي در سن سه و هفت سالگي و حتي در گهواره، به برخي از پيامبران الهي داده شده است. آنچه در اين مورد ضرورت دارد، معرفت، عقل و طاعت الهي و اقرار به رسالت و نبوت پيامبر اسلام (ص) است که اين ويژگيها نيز بدون شک در امام حسن و امام حسين (ع) وجود داشته است.

بنابراين آمدن امام حسن (ع) و امام حسين (ع) براي مباهله، دليل روشني بر افضليت و برتري آن دو پس از پيامبر اسلام (ص) و امام علي بن ابي طالب (ع) در ميان امت اسلامي و نيز دليلي بر برتري و افضليت آنها بر اصحاب ديگر پيامبر اسلام (ص) - البته بعد از پدرشان امام علي (ع) - به حساب مي آيد و کم بودن سن آنها در اين باره هيچ مشکلي ايجاد نمي کند.

٣. آية مباهله و ادعای جعل و نشر احاديث

يکي ديگر از شبهات مهم در خصوص آية مباهله و روايات مربوط به آن، ادعای ساختگي بودن احاديث و روايات مربوط به آن است.

محمد رشيدرضا (١٨٦٥-١٩٣٥م) در همين خصوص

چنين مي نويسد:

و مصادر هذه الروايات الشيعة و مقصدهم منها معروف و قداجتهدوا في ترويجهما ما استطاعوا حتي راجت علي كثير من اهل السنة...؛^{٤٢} مصادر اين روايات مربوط به شيعة است و منظور و مقصود آنها نيز معلوم است. آنها در

طهر

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰

ترویج این روایات به اندازه توان خود کوشش نمودند و بدین وسیله این روایات در میان بسیاری از اهل سنت رایج گشته است.

نقد و بررسی

در پاسخ به این شبهة بسیار سست و غیر علمي، ذکر مطالب ذیل را مناسب و کافي مي‌بینیم:

۱. همان‌گونه که در ابتدای این بحث (بخش دوم) گذشت، روایات مربوط به شأن نزول آیه مباهله، در منابع متعدد برادران اهل سنت موجود است. همچنین علاوه بر منابع متعدد برادران اهل سنت، در تعداد قابل توجهی از منابع تفسیری، حدیثی و کلامی مذهب اهل بیت (ع) نیز امثال این روایات با طرق مختلف نقل و ثبت شده است که قسمتی از آنها را در بخش دوم ملاحظه کردید.

۲. ادعای مزبور به سبب نداشتن دلیل علمی و منطقی، قابل قبول نیست و در عین حال برای مذهب اهل سنت، بسیار خطرناک به نظر می‌رسد؛ چون اگر روایات مربوط به آیه مباهله به وسیله پیروان مذهب اهل بیت (ع) در کتب حدیثی و تفسیری معتبر اهل سنت مانند صحیح مسلم، سنن ترمذی، مستدرک علی الصحیحین و تفاسیر طبری، سمرقندی، فخر رازی و ابن‌کثیر دمشقی، وارد شده باشد، آن وقت باید در مورد سایر احادیث و روایات موجود در آنها نیز چنین ادعایی به عمل آید که در این حال، این احادیث و روایات برای خواننده خود یقین و اعتماد نمی‌آورند، اما چنین ادعایی تنها در مورد احادیث و روایات مربوط به برتری و فضیلت اهل بیت (ع) ارائه می‌شود که این هم دلیل و قرینه خوبی بر بی‌اساس بودن آن است.

بخش پایانی: نتیجه‌گیری

آنچه می‌توان از مباحث گذشته به عنوان نتیجه به دست آورد، عبارت است از:

۱. بر اساس آیه شریفه مباهله و روایات و احادیث مربوط به آن، می‌توان نتیجه گرفت که امام حسن (ع) و امام حسین (ع) پسران رسول گرامی

اسلام (ص) محسوب می‌شوند. شیخ طبرسی (متوفای ۵۴۸) در همین باره می‌نویسد:

اجمع المفسرون علي ان المراد بأبناءنا، الحسن و الحسين (ع) و قال ابوبكر الرازي : هذا يدل علي ان الحسن و الحسين (ع) ابناء رسول الله (ص) و ان ولد الابنة ابن نبي الحقيقة؛^{۴۳} مفسران اتفاق نظر دارند که منظور از «ابنائنا» [پسران ما در آیه مباهله] حسن و حسین (ع) است و ابوبکر رازی می‌گوید: این دلالت می‌کند که حسن و حسین (ع) دو پسر رسول خدا (ص) هستند و همانا فرزند دختر در حقیقت پسر به شمار می‌آید.

همچنین مفسر اهل سنت، فخر رازی (۵۴۴-۶۰۴ق) می‌نویسد:

هذه الآية دالة علي ان الحسن و الحسين (ع) كانوا ابني رسول الله (ص)...؛^{۴۴} این آیه دلالت بر آن دارد که حسن و حسین (ع) دو پسر پیامبر خدا (ص) هستند...

گفتنی است که همین مطلب را می‌توان از آیات دیگر قرآنی نیز به دست آورد. فخر رازی در این‌باره به آیات ۸۴-۸۵ سوره انعام استدلال نموده است.

۲. بر اساس آیه شریفه م‌باهله و روایات مربوط به آن، نتیجه می‌گیریم که منظور از «نسائنا» - زنان خویش - در آیه مباهله حضرت فاطمه (س) و منظور از «انفسنا» - خود ما - در درجه نخست پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و سپس علی بن ابی‌طالب (ع) است.

بدون شك تلقي علي بن ابی‌طالب (ع) به عنوان «انفسنا» - خود - به نزدیک و گرامی تر بودن آن حضرت (ع) نزد رسول اکرم (ص) دلالت آشکار دارد، اما با این تفاوت که امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) پیامبر نیست و بر او وحی نازل نمی‌شود، ولی در عین حال پس از رسول اکرم (ص) برترین صحابه برای تصدی رهبری و خلافت امت اسلامی به شمار می‌آید.

۳. آوردن علی بن ابی‌طالب (ع)، فاطمه زهرا (س)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) جهت انجام مباهله،

طبرسی

۱۰۶

در نوع خود بر برتری و افضل بودن آنها دلالت آشکار دارد. چون اگر افراد مقدس دیگری در میان همسران و اصحاب پیامبر اسلام (ص) وجود داشتند، پیامبر اسلام (ص) حتماً به جای اینها، آن افراد برتر را برای مباحله همراه خود می آوردند. مفسر معروف اهل سنت، جارالله زمخشری (۴۶۷-۵۳۸ق) در همین خصوص می نویسد:

و فيه دليل لاشي اقوي منه علي فضل اصحاب الكساء (ع)؛^{۴۵} در این [آیه و روایات] دلیل بسیار محکمی است بر فضل و برتری اصحاب کساء [پیامبر، امام علی، فاطمه، حسن و حسین - ع -]. همچنین مفسر دیگر اهل سنت، عبدالله بن عمر بیضاوی (متوفای ۷۹۱ق) پس از توضیح و تفسیر آیه مباحله چنین می نویسد:

و هو دليل علي نبوته و فضل من أتي بهم من اهل بيته؛^{۴۶} این دلیلی بر نبوت پیامبر اسلام (ص) و برتری و فضیلت اهل بیت آن حضرت (ص) است که همراه او [به مباحله] آمده بودند.

بنابراین نتیجه می گیریم که علی بن ابی طالب (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع)، برترین و بافضیلت ترین اشخاص نزد پیامبر اسلام (ص) و نیز برترین اصحاب آن حضرت (ص) محسوب می شوند. همچنین اگر در میان اصحاب آن حضرت (ص) همین اشخاص مقدس، برتر و افضل باشند، بدون شک رهبری و خلافت امت اسلامی نیز باید پس از پیامبر اسلام (ص) از آن امام علی (ع)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) باشد و این حقیقتی است که با تأمل و اندیشه اساسی، می توان آن را درک نمود.

۴. برخلاف تصور برخی که می گویند: دین اسلام عملاً دین و آیین مربوط به مردان است و زنان در آن به حساب نیامده اند، زنان در مواقع حساس و خطیر، به سهم خود در پیشبرد اهداف مقدس اسلامی مؤثر بودند و در کنار مردان در برابر مخالفان اسلام ایستاده اند. حضور حضرت فاطمه (س) در جریان مباحله، دلیل روشن این مطلب است.^{۴۷}

۵. با اینکه علی بن ابی طالب (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع) از بستگان بسیار نزدیک پیامبر

اسلام (ص) به شمار می آیند و بر اساس عرف و لغت می‌توان آنها را اهل بیت پیامبر اسلام (ص) نامید، ولی منظور پیامبر اکرم (ص) از اهل بیت نامیدن آنها هنگام آم ادگی جهت مباهله، اشاره به معنای خاص آن - اهل خانه نبوت و رسالت - بوده که در آیه شریفه تطهیر در این باره به تفصیل بحث شده است.

۶. دعوت هیأت مسیحیان منطقه نجران برای مباهله به دستور الهی و پیامبر اسلام (ص)، دلیل آشکار برتری دین مبین اسلام و حقانیت پیامبر عظیم الشأن اسلام (ص) است، والا دین و پیامبر غیر حقیقی نمی‌تواند مخالف خود را این‌گونه به مباهله و ملاعنه دعوت نماید.

۷. آیه شریفه مباهله در رساندن معنای فضیلت و برتری، مخصوص پیامبر اسلام (ص)، علی بن ابی طالب (ع)، فاطمه، حسن و حسین (ع) است و دیگران در آن شریک نیستند، ولی مسئله مباهله حکم و مسئله ای کلی و عمومی است. حتی که اگر دو نفر و یا دو گروه در مورد یک مسئله مهم (دینی، مذهبی و...) با یکدیگر نزاع و اختلاف داشته باشند، می‌توانند برای اثبات حقانیت خود و رسوایی شخص دروغگو و یا ظالم دست به مباهله بزنند. این‌باره می‌توان به برخی از روایات نیز استدلال نمود که در یکی از آنها می‌خوانیم:

روزی ابو مسروق - یکی از اصحاب امام صادق (ع) - از عنادورزی مخالفان اهل بیت (ع) در پذیرش برتری آنها به آن حضرت (ع) شکایت نمود. امام صادق (ع) به وی فرمود: اگر آنها سخن شما را نپذیرفتند، آنها را به مباهله دعوت کنید. ابومسروق پرسید: چگونه با آنها مباهله کنیم؟ امام صادق (ع) فرمود: خود را سه روز اصلاح کن (ابو مسروق می‌گوید: گمان می‌کنم که فرمود: روزه بگیر و غسل کن). سپس با کسی که می‌خواهی مباهله کنی، به صحرا برو و سپس انگشتان دست راست خود را در انگشتان او قرار بده و سپس از خودت آغاز کن و بگو:

طری

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰

«اللهم رب السموات السبع و رب الارضين السبع،
 عالم الغيب و الشهادة الرحمن الرحيم...؛ خدایا!
 (ای) پروردگار آسمانها و زمینهای هفت گانه!
 (ای) عالم غیب و شهادت (و ای پروردگار) رحمان و
 رحیم! اگر ابومسروق حقی را انکار و باطلی را
 ادعا کرده، بر او از آسمان عذاب و بلایی بفرست.»
 سپس دعا را بر او برگردان و بگو: «و اگر فلانی
 حقی را انکار کرده و باطلی را ادعا نموده، از
 آسمان بر او عذاب و بلایی را بفرست.»
 امام صادق (ع) در ادامه حدیث فرمود: «چیزی
 نمی‌گذرد که نتیجه این (مباهله) آشکار خواهد شد.
 به خدا سوگند هرگز کسی را نیافتم که حاضر باشد
 با من این چنین مباهله نماید.»^{۴۸}



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

پینوشتها

۱. آل عمران (۳)، آیه ۵۹-۶۱.
۲. ر.ک: راغب الاصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۴۹ (ماده بهل)، دارالقلم، دمشق، چاپ اول، ۱۴۱۲ق؛ الزمخشری، جارالله، اساس البلاغة، ص ۳۲، تحقیق: عبدالرحیم محمود، دارالمعرفة، بیروت، بی‌تا.

٣. ر.ك: احمد بن محمد القيومي، المصباح المنير، ج ١، ص ٦٤، مؤسسه دارالهجرة، قم، چاپ اول، ١٤٠٥ق؛ الزمخشري، اساس البلاغه، ص ٣٢.
٤. شيخ طبرسي، مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ٢، ص ٧٦٢، دارالمعرفة، بيروت، ١٩٨٦م.
٥. الفخر الرازي، تفسير الفخر الرازي، ج ٨، ص ٨٩، دارالفكر، بيروت، چاپ سوم، ١٩٨٥م؛ مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ٢، ص ٧٦٢؛ جار الله الزمخشري، تفسير الكشاف، ج ١، ص ٣٦٨-٣٦٩، نشر البلاغه، قم، چاپ دوم، ١٤١٥ق.
٦. الواحدي النيشابوري، اسباب ال نزول، ص ٩٠، دارالكتاب العربي، بيروت، ١٩٩٤م؛ الزمخشري، تفسير الكشاف، ج ١، ص ٣٦٩.
٧. العياشي، تفسير العياشي، ج ١، ص ١٧٧، ح ٥٨، المكتبة العلمية الاسلامية، تهران، ١٣٨٠ق؛ البرهاني، البرهان في تفسير القرآن، ج ٢، ص ٥٠، ح ١٣، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بيروت، چاپ دوم، ١٩٨٢م.
٨. العياشي، تفسير العياشي، ج ١، ص ١٧٥-١٧٦، ح ٥٤؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ٢، ص ٤٩، ح ٩٠.
٩. فرات الكوفي، تفسير فرات الكوفي، ص ٨٥-٨٦، ح ٦١، تحقيق، محمد الكاظم، مؤسسة الطبع و النشر لوزارة الثقافة و الارشاد الاسلامي، تهران، چاپ اول، ١٩٩٠م.
١٠. الحويزي، تفسير نورالثلثين، ج ١، ص ٣٤٩، ح ١٦٣، تحقيق: سيد هاشم رسولي محلاتي، مؤسسه اسماعيليان، قم، چاپ چهارم، ١٤١٢ق.
١١. تفسير العياشي، ج ١، ص ١٧٧، ح ٥٩؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ٢، ص ٥٠، ح ١٤٠.
١٢. شيخ طوسي، الامالي، ص ٣٠٧، ح ٦١٦، مؤسسة البعثة، قم، چاپ اول، ١٤١٤ق.
١٣. ابن كثير الدمشقي، تفسير القرآن العظيم، ج ١، ص ٣٧٩، دارالمعرفة، بيروت، ١٩١٧م؛ اسباب النزول، ص ٩١؛ السيوطي، الدر المنثور في التفسير المأثور، ج ٢، ص ٢٣١، دارالفكر، بيروت، ١٩٩٣م.
١٤. الطبري، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، ج ٣، ص ٣٠٠، جزء ٣، دارالفكر، بيروت، ١٩٨٨م.
١٥. جامع البيان عن تأويل اي القرآن، ج ٣، ص ٣٠٠، جزء ٣؛ ابن ابي حاتم، تفسير القرآن العظيم، ج ٢، ص ٦٦٧، ح ٣٦١٨ (با كمي تفاوت)، المكتبة العصرية، بيروت، چاپ دوم، ١٩٩٩م.
١٦. مسلم النيشابوري، صحيح مسلم، ص ١٠٤٢، ح ٣٢، (الفضائل، باب فضائل علي بن ابي طالب (ع)،

طهر

ر
ا
ب
ج
د
ه
و
ز
ح
ط
ي
ك
ل
م
ن
س
ع
ف
ق
ك
ج
د
ه
و
ز
ح
ط
ي
ك
ل
م
ن
س
ع
ف
ق

١١٠

- داراحياء التراث العربي، بيروت، چاپ اول، ۲۰۰۰م؛ الترمذي، **الجامع الصحيح (سنن الترمذي)**، ج ۵، ص ۲۲۵، ح ۲۹۹۹، داراحياء التراث العربي، بيروت، بي تا؛ الحاكم النيشابوري، **المستدرک علي الصحيحين**، ج ۳، ص ۱۵۰ (کتاب معرفة الصحابة، باب من مناقب اهل بيت رسول الله - ص -)، دارالمعرفة، بيروت، بي تا؛ **الدرالمنثور في التفسير المأثور**، ج ۳، ص ۲۳۲-۲۳۳؛ رشيد رضا، **تفسير المنار**، ج ۳، ص ۳۲۲، دارالفکر، بيروت، چاپ دوم، چاپ افست.
۱۷. **المستدرک علي الصحيحين**، ج ۳، ص ۱۵۰.
۱۸. **اسباب النزول**، ص ۹۰.
۱۹. همان، ص ۹۱.
۲۰. شيخ طوسي، **التبيان في تفسير القرآن**، ج ۲، ص ۴۸۴، داراحياء التراث العربي، بيروت، بي تا.
۲۱. **مجمع البيان في تفسير القرآن**، ج ۲، ص ۷۶۲-۷۶۳ (با تلخیص).
۲۲. الرازي، **تفسير ابوالفتح الرازي**، ج ۴، ص ۳۶۰-۳۶۱، بنياد پژوهشهاي اسلامي آستان قدس رضوي، مشهد ۱۳۷۴ ش.
۲۳. سيد فضل الله، **تفسير من وحي القرآن**، ج ۶، ص ۶۳-۶۴، دارالملاک، بيروت، چاپ دوم، ۱۹۹۸ م.
۲۴. شيخ ناصر مکارم شیرازي، **تفسير نمونه**، ج ۲، ص ۵۷۸-۵۸۰، دارالمکتب الاسلامية تهران، چاپ ۲۷، ۱۳۷۸ ش.
۲۵. **جامع البيان عن تأويل آي القرآن**، ج ۳، ص ۲۹۹-۳۰۱، جزء ۳ (ذيل آيه ۶۳ سوره آل عمران).
۲۶. السمرقندي، **تفسير السمرقندي**، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۵، دارالکتب العلمية، بيروت، چاپ اول، ۱۹۹۳ م.
۲۷. **تفسير الفخر الرازي**، ج ۸، ص ۸۸-۸۹.
۲۸. **تفسير القرآن العظيم**، ج ۱، ص ۳۷۹.
۲۹. البيضاوي، **تفسير البيضاوي**، ج ۱، ص ۱۶۳، دارالکتب العلمية، بيروت، چاپ اول، ۱۹۸۸ م.
۳۰. اين سؤال و پاسخ آن درتفسير من وحي القرآن، ج ۶، ص ۶۹-۷۱ و تفسير نمونه، ج ۲، ص ۵۸۶-۵۸۸ آمده است.
۳۱. ر.ک: **تفسير المنار**، ج ۳، ص ۳۲۲.
۳۲. نحل (۱۶)، آيه ۴۴.
۳۳. ر.ک: **صحيح مسلم**، ص ۱۰۴۲، ج ۳۲؛ **سنن الترمذي**، ج ۵، ص ۲۲۵، ج ۲۹۹۹؛ **المستدرک علي الصحيحين**، ج ۳، ص ۱۵۰، **الدر المنثور في التفسير المأثور**، ج ۳، ص ۲۳۲-۲۳۳؛ **اسباب النزول**، ص ۹۰-۹۱؛ **جامع البيان عن تأويل آي القرآن**، ج ۳، ص ۳۰۰، جزء ۳، **الامالي**، شيخ طوسي، ص ۳۰۷، ج ۶۱۶؛ **تفسير العياشي**، ج ۱، ص ۱۷۷، احاديث ۵۸، ۵۹، ۵۴؛ **تفسير الفرات الكوفي**، ص ۸۵-۹۰، **البرهان في تفسير القرآن**، ج ۲، ص ۴۹-۵۰، احاديث ۱۲، ۹، ۱۴، ۱۳ و...

۳۴. ر.ك: مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۲، ص ۸۸۹؛
تفسير البيضاوي، ج ۱، ص ۱۹۰؛ تفسير القرآن العظيم، ج ۱،
ص ۴۳۸ (ابن كثير در تفسير خود، قائل اين سخن را شيطان
معرفي کرده است)؛ تفسير المنار، ج ۴، ص ۲۳۸-۲۳۹
۳۵. ر.ك: مجمع البيان في تفسير القرآن ج ۲، ص ۸۹۸؛ تفسير
البيضاوي، ج ۱، ص ۱۹۳؛ تفسير القرآن العظيم، ج ۱، ص ۴۴۳.
۳۶. گفتني است كه اين سؤال و جواب آن در كتاب
التبيان في تفسير القرآن، ج ۲، ص ۴۸۵-۴۸۶ آمده است.
۳۷. مريم (۱۹)، آيه ۱۲.
۳۸. ر.ك: تفسير السمرقندي، ج ۲، ص ۲۳۰؛ تفسير الفخر
الرازي، ج ۲۱، ص ۱۹۲.
۳۹. ر.ك: مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۶، ص ۷۸۱.
۴۰. مريم (۱۹)، آيه ۳۰.
۴۱. شيخ كليني، الاصول من الكافي، ج ۱، ص ۳۸۲، ح ۱،
تحقيق: علي اكبر غفاري، دارالكتب الاسلاميه، تهران،
چاپ سوم، ۱۳۸۸ق.
۴۲. تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار)، ج ۳، ص ۳۲۲.
۴۳. مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۲، ص ۷۶۳.
۴۴. تفسير الفخر الرازي، ج ۸، ص ۸۹.
۴۵. تفسير الكشاف، ج ۱، ص ۳۷۰.
۴۶. تفسير البيضاوي، ج ۱، ص ۱۶۳.
۴۷. ر.ك: تفسير نمونه، ج ۲، ص ۵۹۰.
۴۸. تفسير نورالثقلين، ج ۱، ص ۳۵۱، ح ۱۷۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

طهری